



## اهمیت ترویج فرهنگ ازدواج در سیره امام هادی(ع)

ترویج فرهنگ ازدواج همواره مورد تأکید امام هادی(ع) بوده است؛ ایشان در یکی از خطبه‌های عقد ازدواج می‌فرمایند:

ترویج فرهنگ ازدواج همواره مورد تأکید امام هادی(ع) بوده است؛ ایشان در یکی از خطبه‌های عقد ازدواج می‌فرمایند: خدای سبحان، دامادی (و خویشاوندی سببی) را دستاویز انس دل‌ها و فامیلی همسران قرار داد که با آن، خویشاوندی‌ها را به هم آمیخت و آن را مایه دلسوزی و مهربانی قرار داد که در این نشانه‌هایی برای عالمان است. شهادت امام هادی(ع) امام علی بن محمد بن علی الهادی(ع)، زاده ۱۵ ذی‌الحجه سال ۲۱۲ و درگذشته روز سوم رجب سال ۲۵۴ معروف به علی‌النقی و هادی، دهمین امام شیعیان امامی پس از پدرشان امام محمد تقی(ع) و پیش از پسرشان امام حسن عسکری(ع) است. کنیه ایشان «ابوالحسن» است و برای اینکه با امام موسی کاظم(ع) و علی بن موسی الرضا(ع) جد پدری و پدربزرگشان که آنان نیز ابوالحسن نامیده می‌شدند، اشتباه نشود، ایشان را «ابوالحسن ثالث» می‌نامند. مادر ایشان سمانه مغریه، یک امرؤ وُلد بوده است.

به اعتقاد شیعیان امامیه، امام هادی(ع) در کودکی پس از درگذشت پدرشان به امامت رسیدند. تمایل خلفای عباسی پیش از مَتَوَكَّل (مُعْتَصِم و واثق) به مُعْتَزَلَه، فضای سیاسی و فکری نسبتاً آزادی برای فعالیت و تدریس امام هادی(ع) در مدینه فراهم کرد. با روی کار آمدن متوکل و پررنگ شدن اهل حدیث، عرصه تا حد زیادی بر امام هادی(ع) و شیعیان ایشان تنگ شد. پس از آن بود که متوکل به تحریک عده‌ای مبنی بر تصمیم امام هادی(ع) برای شورش، او را به پایتخت خود، سامرا، فراخواند تا در این شهر نظامی، او را از نزدیک زیر نظر گیرد.

امام هادی(ع) در سامرا زندگی نسبتاً آزادی داشت اما برای ارتباط با شیعیانشان ناگزیر به نامه‌نگاری بودند. این نامه‌ها به وکلایی ارسال می‌شد که امام هادی(ع) در سرزمین‌های مختلف برای اداره امور شیعیان و دریافت خُمس به کار گماشته بود. از مهمترین این وکلا عثمان بن سعید بود که بعدها به عنوان اولین نایب امام دوازدهم شیعیان شناخته شد. امام هادی(ع) در سامرا به مناسبت‌های مختلف مورد سوءظن و آزار متوکل قرار گرفت. بعد از متوکل، منتصر و مستعین دوران کوتاهی حکومت کردند که نسبتاً فشار کمتری به امام هادی(ع) وارد می‌کردند. سرانجام معتز، بنابر اعتقاد شیعه، دستور مسمومیت امام هادی(ع) را صادر کرد. در جریان تشییع ایشان به خاطر ازدحام جمعیت، تابوت آن حضرت به منزلش بازگردانده و همان‌جا دفن شد. جایی که بعدها پسرشان، امام حسن عسکری(ع) در جوار ایشان دفن شد و «حرم عسکریین» نام گرفت.

### جهاد فرهنگی

یکی از اقدامات مهم امام هادی(ع) همچون امامان معصوم دیگر حفظ خط فکری و فرهنگی تشیع و جلوگیری از القائات مخالفان بود و این کار نیاز به تشکیل حوزه علمیه و تدریس فقه و عقائد و اصول و تربیت شاگردان برجسته و فعال داشت. در عصر امام باقر(ع) و امام صادق(ع) به طور عمیق و گسترده به تقویت حوزه‌های تحصیل و دانش پرداخته شد. سپس، امامان دیگر حتی در شرایط بسیار سخت به نحوی آن را دنبال کردند.

امام هادی(ع) نیز در این راستا، قدم‌های بزرگی برداشت و شاگردان برجسته‌ای چون، عبدالعظیم حسنی(ع)، خیران الخادم، ابن سگیت اهوازی، ابوهاشم جعفری، حسین بن محمد مدائنی، جعفر بن سهیل، اسماعیل بن مهران و ... تربیت کرد. شاگردان برجسته پدر و جدش را دور خود جمع کرد و حوزه علمیه فعال و پرتلاشی در مدینه به وجود آورد که شیخ طوسی نام ۱۸۵ نفر از ایشان را ذکر کرده است.

### تجلیل از علما

امام علی‌النقی(ع) نسبت به علما و پژوهشگران راستین احترام ویژه‌ای قائل بود و دوستانش را به احترام از آن‌ها ترغیب می‌کرد. آن‌ها را به عنوان برترین انسان‌ها برمی‌شمرد و می‌فرمود: «لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ فَاثِمَكُمُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ، وَالذَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَالذَّالِّينَ عَنْ دِينِهِ يَحْجِجَ اللَّهُ وَالْمُنْفِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرْدِيَهَ، وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ، لَمَا بَقِيَ أَحَدًا إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَمْسِكُونَ أَرْمَهُ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ، كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَّانَهَا أَوْلِيكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ؛ اگر بعد از غیبت قائم ما(ع) نبود وجود علمایی که به سوی او می‌خوانند و به وجود او رهنمون می‌شوند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام‌های ابلیس و پیروان او می‌رهانند، بی‌گمان همه مردم از

دین خدا برمی گشتند».

همنشینی با اهل باطل ممنوع

پیکی از شاگردان و اصحاب برجسته امام هادی(ع) ابوهاشم جعفری است. روزی امام(ع) او را دید و به او فرمود: «چرا تو را همنشین عبدالرحمان ابن یعقوب می بینم؟ ابوهاشم گفت: عبدالرحمان، دایی من است. امام(ع) فرمودند که عبدالرحمان درباره خدا، سخن نادرست می گوید و ذات پاک خدا را به صورت جسم و دارای نشانه های جسم توصیف می کند، یا با او همنشین شو و ما را واگذار و یا با ما باش و او را واگذار».

ابوهاشم گفت: او هرچه می خواهد بگوید، وقتی که من عقیده به گفتارش نداشته باشم، نسبت به من چه زبانی دارد؟ امام(ع) فرمودند که آیا نمی ترسی که عذابی بر او فرود آید، تو را نیز فرا گیرد؟ آیا داستان آن شخصی را که خود از یاران موسی(ع) بود و پدرش از اصحاب فرعون بود، نشنیده ای؟ آنجا که وقتی لشگر فرعون (در تعقیب سپاه موسی(ع)) به کنار دریا آمد، آن پسر، از لشگر موسی(ع) جدا شد و نزد پدر رفت تا با نصیحت کردن پدر، او را از فرعونیان جدا کند و به سوی موسی(ع) بیاورد. هنگامی که با پدرش ستیز می کرد و او را به راه هدایت دعوت می نمود، با هم کنار دریا آمدند، ناگهان عذاب الهی فرا رسید و لشگر فرعون غرق شدند. آن پدر و پسر نیز که در کنار لشگر فرعون بودند غرق شدند. از حضرت موسی(ع) سؤال کردند که پدر مستحقّ عذاب بود پسر چرا؟ فرمود: «هُوَ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَلَكِنَّ التَّقِيَّةَ إِذَا تَزَلَّتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارَبَ الْمُذْتَبِ دِفَاعٌ؛ آن پسر در رحمت خدا بود، ولی وقتی که عذاب فرا رسید، از آنکه نزدیک گناهکار است، نمی توان دفع کرد».

امنیت اخلاقی از نگاه امام هادی(ع)

در زمینه امنیت اخلاقی روایات اندکی از امام هادی(ع) نقل شده است و آنچه بیشتر در روایات آن امام همام دیده می شود، مباحث اعتقادی و ولایت اهل بیت(ع) است که این امر نشانگر اهمیت این مباحث در سلامت روحی و روانی جامعه و بیانگر این مطلب است که ریشه همه فسادها، دوری مردم از اعتقادات اصیل و ولایت ائمه اطهار(ع) است. نگاهی به روایات آن وجود قدسی می تواند راهگشای مشکلات امروز جامعه باشد.

ترویج فرهنگ ازدواج

از بین بردن عوامل منحرف کننده اجتماعی از یک سو و ترویج فرهنگ ازدواج از سوی دیگر، می تواند نقش مهمی در سلامت جامعه ایفا کند. امام هادی(ع) در یکی از خطبه های عقد ازدواج، پس از حمد و ثنای الهی و تأکید بر اصول اعتقادی فرمود: «اما بعد، خدای سبحان، دامادی (و خویشاوندی سببی) را دستاویز انس دل ها و فامیلی همسران قرار داد که با آن، خویشاوندی ها را به هم آمیخت و آن را مایه دلسوزی و مهربانی قرار داد که در این نشانه هایی است برای عالمان.

خدای سبحان در کتاب خود می فرماید: «و او کسی است که از آب، انسانی آفرید و او را (دارای خویشاوندی) نسبی و سببی قرار داد» و «به افراد بی همسر قوم خود و غلامان و کنیزان درستکاران همسر دهید!». همانا فلانی پسر فلانی، کسی است که موقعیت اجتماعی و رفتار او را می شناسید. او مایل است در زندگی شما شریک شود. او دامادی شما را دوست دارد، به خواستگاری دختر شما فلانی دختر فلانی آمده است و چنین و چنان مقدار را مهریه دختر قرار داده است که نقد آن این مقدار است و نسبه آن این مقدار. وساطت ما را برای او بپذیرید و به خواستگار ما همسر دهید، پاسخ نیک دهید و سخن نیک به زبان آورید، من از خدا برای خود و شما و همه مسلمانان مغفرت می طلیم».

یاد مرگ

اگر انسان معاد را فراموش کند و تنها همین زندگی پست بشری را ببیند، هیچ عاملی او را از غرق شدن در ورطه گناهان نگه نمی دارد. یاد مرگ، شیطان و وسوسه هایش را دور می کند. اهل بیت(ع) در روایات زیادی این نکته را گوشزد کرده اند و سیره عملی امام هادی(ع) نیز گواه بر این مدعاست.

متوکل در مجلس عیش خود هنگامی که از حضرت امام هادی(ع) خواست شعری بخواند، با اشعاری مواجه شد که امام مرگ را برای او یادآوری کرد و بدین سان مجلس شراب آنان دگرگون شد.

مؤسس حوزه علمیه سامرا

تأسیس حوزه علمیه سامرا با ورود امام هادی و امام حسن عسکری(ع) به این شهر آغاز می شود که امام به صورت حضوری و مکاتبه ای به نشر معارف الهی می پرداخت و تعیین وکلای و نمایندگان از طرف ایشان در شهرهای مختلف ایران و عراق و حجاز در حکم گسیل دانشمندان به حوزه های جدید شیعی بود. چنانکه جاسم حسین بنابر اخبار تاریخی مناطق اعزام نمایندگان امام(ع) را به چهار قسمت عمده تقسیم می کند، ناحیه بغداد، مدائن، سواد و کوفه ناحیه بصره و اهواز ناحیه قم و همدان ناحیه حجاز، یمن و مصر، به عنوان نمونه باید به برخی از روایات اشاره کرد که سؤال «محمد بن علی کاشانی» در موضوع توحید و پاسخ امام هادی(ع) رانقل کرده اند و این غیر از ارتباطاتی است که در مورد أخذ وجوهات شرعی انجام می گرفته است.

در مکتب امام هادی(ع) به نکاتی همچون اصالت قرآن، نشر کلام شیعی، نشر فرهنگ دعا و زیارت، برخورد قاطع با دشمن عقیدتی و سیاسی برمی خوریم. امام(ع) در جواب نامه ای که از «جبر و تفویض» سؤال شده است، جایگاه قرآن و اصالت آن را این گونه بیان می دارد: «بدانید خدایتان رحمت کند که ما در روایت و اخبار بسیاری که وارد شده، نگرستیم و چنین یافتیم که آنچه همه فرق اسلام که خدا را می شناسند نقل کرده اند از دو گونه خارج نیست یا حق است که باید پذیرفت یا باطل است که باید رد کرد».